

پنجاه سال

سپهر عزم - هجره

پنجاه سال ، انتظار و جدائی  
که هر روز <sup>تو</sup> سال در در آردی بود

تو دیده ام  
ای تو آتش غم !

تو با آنکه ای لطف جدائی  
بین مادرت را چه دیوانه گویی

زیر چرخ

به جزین

جزوین <sup>بگفته گویی</sup>

این را تو می دانی

گر در دلم در تو کرده است طغیان !

که در بر تو ای تو غم ای دنیا است  
چه اندوه یا کینه آسمانی  
چه میزور و زنیاست !

در آغوش می مهر خورشید لور آن  
با دیده ام گریه کو مساران  
تو هم گر بینی

وجود شود آب در نزد جسم

نخور غم  
نشسته به گل لوردهای تو گم

جوانی من در تو است سلفه

لا رت و دیوار و روز آبی

پنجاه سال انتظار و جدائی

x 6 x

لندن

نوروز ۱۳۵۱

ژاله